

ياوه سرايي هاي يك بيسواد بنام « طويله گير خراساني »

درين مختصر از چهار موضوع ياد خواهيم کرد که در نوشته « طويله گير خراساني » - هرچند شايد نه "خراساني" بلکه از اولاده "اسراييل" باشد که او را ياد از ايران به افغانستان عزيز انداخته - آمده و من مراتبي را در باره آنها، تقديم خواننده گان پورتال "افغان جرمن آنلاين" ميکنم.

۱ - سواد اين اقاى هرزه نويس و اين مگس ميان هر دوغ همانقدر است که (افاده را، ايفاده، با شيوه ملالی را، شيوه ملالی ای، دويده را، داويده، نميدانی را، نمدانی، کرده ای را، کرده ايد، نويسندگی را، نويسندگی، سر به گريبان را، سر بگريبان، افاده را، ايفاده، صبيغه را صبيغه، قمچين را غمچين، عاری از محتوا را، آری از محتوی، تو ضيح را توضیح، زده ای را، زده ايد، ذهنش، ذهن، اذلتب بارو کس؟؟؟ من که ازین کلمه سر درنياوردم. شايد او غرق نيشه بوده. دارايی ها را، دارايهای، شخصیتی را، شخصتی، اميرزاده را اميرزده، هريکين را عليکين، ماليخوليایي را، ماخوليایي، ثمن را، سمن و...) امثال اشتباهات انشايی و املايي دارد. کسی که در يك نوشته سيصد کلمه يی پنجاه اشتباه املايي و انشايی داشته باشد خیلی پر روی است که ديگران را بيسواد، بی منطق و بيخبر بداند و طرفش را بگويد تو عجلوانه نوشتی. بر علاوه شعری که اين اقاى خراساني از شکم خود گفته که خوبی های آدم از گفتار پيدا شود؛ هم کاملاً غير منطقی است زیرا از قديم گفته اند که قاضی خودش کار خراب ميکند اما به ديگران پند ميکند. حالا ديگران فکر خواهند کرد که بيسواد، بی منطق، هرزه گوی و بی عرضه کيست؟! و شيوه درست نوشتن و درست گفتن يعنی چه؟

من درينجا از اقاى پروفيسر ادبيات و ژورنالیسم به حيث گرداننده سايت "خاوران" و يك منبع معتبر زبان ميپرسم: اگر ادبيات دری را با مقالاتی از هر هرزه و بی سواد در سايت خود ميگذاريد و نه هيئت تحرير داريد و زبان ما را در جهان مرده و افسرده جلوه ميدهيد، بهتر است اين ننگ نامه خاوران را برای ابد ببنديد و ما را بی غم سازيد.

۲ - در نوشته قبلی ام جهانگير!!!! خراساني را هارون اميرزاده فکر کرده بودم و اين اشتباهم را ميپذيرم که اين آقا نه هارون اميرزاده بلکه يك بيسواد مطلق از باند شمال همان دستنگر مزاری و خلیلی است که به پروژه نفاق افکنی با سياف، ربانی، دوستم و اسماعيل هماهنگ عمل ميکند و مزد ناچیزی را از قلم هزاره اش نصيب ميگردد. اين غلام حلقه به گوش بشير احمد انصاری در تيبانی به لشکر چنگیزی القاعده برای تخريب وطن عزيز ما افغانستان روز و شب در فکر آنست که از کدام چاينل با گروه های وطنفروش جهات شمال آب به آسیاب روس و شورويست های ايران بريزد. تاس رسوايي های اين جبهه روز تا روز بلند ميشود. دوستم شراب ميخورد، مست ميشود و دوستش اکبر باي را مورد ضرب و شتم قرار ميدهد. از آن طرف عطا محمد به همه اخطار ميدهد که ما (شمال) به يك بهانه بند هستيم تا يکبار ديگر دریای خون را جاری ساخته و شش ولايت را از پيکر افغانستان عزيز جدا سازيم. فاضل سنگچاره کی با طمطراق بر حکومت و ارکان دولتی ميتازد و حرف زور به زبان می آورد. که ان شاءالله طی چند ماه آینده چهره های زیر پرده آنان به جهانيان افشاء خواهد شد. مردم که از دست شان به داد آمده اند. از شر شان رهايی يافته و مليت های افغان را اتحاد و برادری را ادامه خواهند داد.

۳ - مگر در ميان اين همه نابغه جهادی جهانگير خراساني يکنفر است که از ترس خشم مردم با نام های مستعار خود را مگس هر دوغ بسازد؟ مردی گفتند و زنی (اين مقوله را از ديد شما اخوانی ها ميگويم) وقتی دو خانم از هم گله گذاری ميکنند ديگر تو چکاره که مگس شده و عوض نزديک ساختن آنان به هرزه گویی دهنت را باز ميکنی؟ اين خانم فرشته حضرتی که به گفته تو دكتور ولادی نسایی است، چند سال را در روسيه و چند سال ديگر در سویدن تحصيلات عالی گرفته و گردانندگی راديوی بين المللی زنان را عهده دار بوده و تاريخ مينويسد و مثل بلبل هزار داستان در راديو شعر و داستان ميگويد. توان آنرا ندارد که از خود دفاع نموده و به قناعت يک و يا دو زن هموطنش بپردازد؟ پيوسته برود به دنبال جنابکاران جنگی بگردد و از کارنامه های ننگين شان بر نامه تهيه کند و با پسر آقاى رهين از بزم موسیقی اش لذت ببرد. آخر راديوی پيام زن گفته اند ولی اين دكتور ولادی نسایی به دنبال آقايان به خاطر تولد های غير طبيعی ميگردد که نمیتواند قناعت دو زن هموطنش را بدهد و ترا وکالت نوشته است. بخدا شرم است به تو و به ياران اخوانی ات که ترا مثل کاغذ تشناب استعمال ميکنند و تو بيخبر نميدانی در دنيا چه ميروود و چه می آيد. شايد با خودت بگویی من چرا به پای دفاع از دو زن نشستم. آری من قبلاً برايتم ميگويم که نه آنان را ميشناسم و نه ميدانم که ايشان دكتور ولادی نسایی اند و پنج سال به اطراف کرملين قدم زدند و از سازمان های

جاسوسی معاش میخورند و یا نمیخورند ، اما وقتی دیدم تو به خواهر صالحه پشتون در مقاله ات با کلمات مستهجن و دور از اخلاق یک مسلمان و یک انسان دشنام های کوچکی و بازاری دادی مجبور شدم که ترا ادب کنم. برایت بفهمانم که تو کدام سر پیاز هستی که به جواب خانم ها هر لهر و لعبی که زبانت به آن عادت دارد، خود را مگس بسازی!!

کثافت کاری هایت ازین هم فرا تر میروود و حتی اسلام!! را به نام قهرمان ویرانی های کابل و کشتار افشار « احمد شاه مسعود» به لجن کشیدی و مستحق محاکمه هستی. اگر میگوئی نه زن ستیزی ات را یکبار با کلمات دور از اخلاق و آداب اسلامی ات که در مورد خانم صالحه پشتون استعمال نموده ای یکبار دیگر بخوان و من ازین طریق به تمام مردم مسلمان افغانستان عزیز اعلام میکنم که باند فاسق بی خواهر و مادر ربانی، دوستم سیاف از آخرین معیار های اخلاقی بیگانه شده و نه به خواهر خود رحم دارند و نه به مادر خود ، گستاخانه به همه مینازند. اینست کلمات یک نره غول عنوانی یک خواهر مسلمان که حق دارد راجع به هر شخصیت وطن انگشت انتقاد بگذارد.

جهانگیر خراسانی در پاسخ های دور از اخلاق یک مسلمان مثل تفنگی های دوستم ، خلیلی و ربانی این جملات را می آورد و سایت پروفیسر ادبیات آنرا نشر میکند: **صالحه پشتون** " که از نام آن بوی تعفن و کثافت میاید و در لجنزار "پشتون" بودن خود شاه نفسک میزند، صالحه نکرکنده، صالحه لندرغر، این زن هرزه وهرجایی و... ده های دشنامی را که آوردن آن به زبان یک انسان آسان نیست، به یک خواهر حواله میکند و سایت سرنوشت بدون سانسور و معذرت آنرا در کثافتدانی خود به نام مقاله می اندازد. اینست زن ستیزی و اینست خاموش کردن صدای زنان ما که همچو گرگس هایی را در دامان خود پرورده اند. حالا دیگر یکزن افغان در مقابل این گونه هرزه گویی با کدام حرأت میتواند بگوید و یا بنویسد که جهانگیر جهالت فروش مستوجب محاکمه و سر نکبتش متوجوب دار است. گناه خواهر صالحه چیست؟ من میگویم: او مثل همه مادران کابل جگر داغیده ای دارد. داغ های جگرش از جنگ غیر عادلانه، جنگ شیطانی شرکای جهانگیر احمد شاه مسعود، ربانی، حکمتیار، دوستم و خلیلی است. او حد اقل یکی از اعضای خانه اش را از دست داده ، خانه اش چور و چپاول شده ، خانه اش با راکت ویران شده. او به یاد کودکان افشار گریه میکند که مسعود فرمان قتل عام آنرا داد. او دود و آتش را به خاطر می آورد که فضای شهرش را تیره ساخته بود. آری هموطن و او یک زن است یک مادر و مثل این بی مادر ها و درگاه رانده ها تفنگ بدست نداشت که بگشود تخریب کند و چپاول و بنا بر آن عقده دلش را به روی کاغذ میریزد. و این است جوابی که ازین بی پدر ها و بی مادر ها میشوند. صد ننگ و نفرین بر شما!!!!

۴ - در تمام مقالات این آقا اشتباهات املائی و انشایی یکدست بوده و نشان میدهد که او نه ادبیات میداند و سواد نوشتن دارد. به احتمال قوی باند جنایتکار شمال این آدم هرزه را اجیر ساخته و برای وظیفه چنان سپرده شده است که هر دگراندیش را با زشت ترین و مستهجن ترین کلمات توهین و تحقیر کند و "خاوران" هم تعهد سپرده است هر آنچه را که او بنویسد ، به نشر سپرده و وظیفه ضد ملی و ضد دیموکراتیک خود را اداء کند.

به این ترتیب به خانم "فرشته حضرتی" و آقای "عبدالرسول رهین" به حیث مجری چنین برنامه ها تبریک عرض میکنم.